

## تأثیر برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در رشد حرفه ای دانشجویان معلم اسلام یارمحمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

امروزه معلمان بیش از هر زمان دیگری به توسعه قابلیت های حرفه ای و مهارت های فنی به منظور پاسخگویی به نیازهای فراگیران نیازمندند. یکی از عواملی که می تواند رشد حرفه ای معلمان را تحت تاثیر قرار دهد، «برنامه درسی مبتنی بر شایستگی» است. تحقیق حاضر با هدف بررسی تأثیر برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در رشد حرفه ای دانشجویان معلم انجام شده است. نوع تحقیق کاربردی و از نظر روش توصیفی از نوع پیمایشی بوده است. جامعه آماری تحقیق شامل دانشجویان دانشگاه فرهنگیان مرکز پردیس امیر کبیر البرز بوده که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده و فرمول کوکران تعداد ۲۹۱ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات شامل پرسشنامه برنامه درسی مبتنی بر شایستگی هدایتی (۱۳۹۵) و پرسشنامه رشد حرفه ای آکفیلد و کوت (۲۰۰۵) بود. روایی پرسشنامه ها به تایید صاحب نظران رسید و پایایی پرسشنامه برنامه درسی مبتنی بر شایستگی بر اساس محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۲ و پایایی پرسشنامه رشد حرفه ای برابر با ۰/۷۳ بود. تجزیه و تحلیل داده ها با بکارگیری آمار توصیفی و استنباطی نظیر آزمون های نرمالیتی و تحلیل رگرسیون چندگانه و ساده از طریق نرم افزار SPSS24 انجام شد. یافته های تحقیق نشان داد که برنامه درسی مبتنی بر شایستگی بر رشد حرفه ای دانشجویان معلم تاثیر دارد و ۴۲ درصد از تغییرات رشد حرفه ای توسط برنامه درسی مبتنی بر شایستگی قابل پیش بینی است. اهداف، محتوا، فعالیت های یادگیری تاثیر معناداری بر رشد حرفه ای داشتند. ( $P < 0.05$ )، ولیکن روش تدریس و ارزشیابی بر رشد حرفه ای تاثیر معناداری نداشتند ( $P > 0.05$ ). بر اساس نتایج می تون گفت که برای رشد حرفه ای دانشجویان معلم برنامه درسی باید مبتنی بر شایستگی باشد.

**واژگان کلیدی:** برنامه درسی مبتنی بر شایستگی، رشد حرفه ای، دانشجویان معلم

---

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد رشته تحقیقات آموزشی دانشگاه پیام نور

## (۱) مقدمه

نگاهی گذرا به عوامل مؤثر در رشد و پیشرفت کشورهای توسعه‌یافته آشکار می‌سازد که این قبیل کشورها از آموزش و پرورش توانمند و کارآمد و اثربخشی برخوردار بوده‌اند (اصغری نیاری، خالق خواه، سیدکلان و ابراهیمی، ۱۳۹۵). به رغم تقاضای روزافزون بازار کار برای دانش‌آموختگان شایسته و کاردان، به نظر می‌رسد کارفرمایان هنوز هم برای تکمیل نیروی کار خود با مشکل روبرو هستند، چراکه بیشتر دانش‌آموختگان نظام آموزش عالی فاقد مهارت‌های مورد نیاز کارفرمایان هستند (اکالی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). از این رو انتظارات حاصله از آموزش و پرورش یک دستگاه بستر ساز فرهنگ و دانش‌آفرینی بیش از پیش توسعه یافته است. لیکن سیستم آموزشی برای تضمین بقا و استمرار کارایی خود باید بتواند ارکان، اجزا و زیر سیستم‌های وابسته به خود را با الزامات رقابتی شدن همسو نماید (خروشی و محمدی وندوشی، ۱۳۹۵)، در این راستا متولیان نظام‌های تعلیم و تربیت باید ضمن تلاش در گشودن دریچه‌های اذهان خود بر روی پدیده جهانی شدن و تحولات ناشی از آن، رسالت و وظیفه استراتژیک و مهم خود را، ترویج تفکر جهانی در کلیه اجزای خود قرار دهند (صبوری خسرو شاهی، کاووسی و حقیقی، ۱۳۹۲).

معلم از کلیدی‌ترین اجزای نظام آموزش و پرورش است و کاستی‌های سایر اجزای سیستم، در این جزء مهم تأثیرگذار است. در سال‌های اخیر، تلقی از نقش معلمان متفاوت‌تر شده است. توجه به کیفیت تدریس، توجه به آموزش یکپارچه و خلق نقشه شناختی از دانش، ترکیب جنبه‌های آموزش‌شناسی با زبان، فرهنگ و زمینه اجتماعی برای یادگیری، توجه به نقش هنری آموزش و معلمی، شایستگی تربیت‌چند فرهنگی، کسب شایستگی‌های عملی موضوعی فنی، مفهوم پیوسته در حال‌تطور شایستگی‌های مورد انتظار برای معلمی را یادآور می‌شود (اسدی خرگردی، ۱۳۹۷). رشد حرفه‌ای معلمان نقش مهمی در بهبود کیفیت معلمان، برنامه‌ی آموزشی، تدریس و یادگیری دانش‌آموزان دارد، اما همواره چالش‌ها و مسائلی وجود دارد که ممکن است مانع اجرای موفق آن شود، از قبیل حجم کاری سنگین معلمان، ابهام در سیاست‌های مربوطه و ساختارهای کاری سلسله‌مراتبی (هایرون و تان<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶). لذا باید در مسیر حل مشکل، کانون توجه را روی عناصر اساسی و تأثیرگذار، که از مقیاس وزنی نسبتاً بالاتری برخوردارند، متمرکز کرد. یکی از این عناصر کلیدی که در گسترش آموزش و پرورش نقش اساسی دارد، معلمان هستند. بنابراین تمرکز اصلی رشد حرفه‌ای همکاران بر روی معلمان قرار دارد تا عملکرد آنها را در مدرسه افزایش دهد (صفری، عبدالهی، نوه ابراهیم و زین‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۶). حرفه‌ای شدن معلمان بر جنبه‌های تکنیکی تدریس و ارتقای موقعیت اجتماعی حرفه‌ی معلمی متمرکز است. حرفه‌ای شدن فرایندی است که به وسیله‌ی آن انجام یک حرفه یا شغل مستلزم داشتن مهارت‌های ویژه‌ای می‌شود (عباباف، فتحی و اجارگاه، فراستخواه و مهرعلیزاده، ۱۳۹۲). به اعتقاد آکفیلت و کوت<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) مشخصه‌های رشد حرفه‌ای عبارتند از: فرصت یادگیری، پیگیری یادگیری، ترغیب سازمانی، مداومت در رشد و یادگیری مهارت‌های جدید. برنامه‌های تربیت حرفه‌ای به منزله‌ای راهبردی مهم در جهت بهبود کیفیت تدریس و پیشرفت فراگیران قلمداد می‌شوند. شواهد فراوان حکایت از این حقیقت دارد که رویکردهای متمرکز و کوتاه مدت در زمینه رشد حرفه‌ای، در فراهم آوردن موجبات ایجاد تغییر معنادار در عملکرد معلم در کلاس درس،

<sup>۲</sup> Okolie

<sup>۳</sup> Hairon & Tan

<sup>۴</sup> Ackfelt & Coote

قرین موفقیت نبوده اند (گندمی، ۱۳۹۵)، لذا تمرکز زدایی از برنامه های آموزش معلمان و تدارک فرصت های یادگیری مبتنی بر بافت و مدرسه بنیان، به منظور رشد حرفه ای پایدار، یک ضرورت اساسی است.

برنامه ریزان آموزشی و درسی دولت های مختلف برای تحقق هدف پرورش شایستگی های شغلی، رویکردهایی را اتخاذ کرده اند. در ادبیات برنامه ریزی آموزشی و درسی، به رویکردها و الگوهای مختلفی برای پیوند آموزش با بازار کار اشاره شده است. به نظر می رسد بتوان بطور کلی مجموع نظرات متخصصان را در سه رویکرد زیر دسته بندی کرد: رویکرد حرفه آموزی، رویکرد یکپارچه سازی آموزش نظری و عملی و رویکرد پرورش شایستگی ها و مهارت های پایه. در این میان رویکرد برنامه ریزی درسی مبتنی بر شایستگی به منظور تاکید بر شایستگی ها دارد می تواند به عنوان راهبردی برای تحقق هدف پرورش شایستگی های شغلی به کار رود (مومنی مهموئی، کاظم پور و تفرشی، ۱۳۹۰).

می توان شایستگی را مجموعه منسجمی از دانش، مهارت ها و نگرش ها دانست که ویژگی های شخصیتی<sup>۵</sup> و جنبه هایی از عملکرد حرفه ای که بر رشد شایستگی ها تاثیر می گذارد را نیز در بر می گیرد (کوئنن و همکاران، ۲۰۱۵).

برنامه درسی مبتنی بر شایستگی از حیث ویژگی های منحصر به فرد خود، در سال های اخیر مورد توجه خاص اغلب نظام های آموزشی جهان، به ویژه در حوزه آموزش عالی قرار گرفته است. به زعم صاحب نظران، نقاط قوت این رویکرد موجب شده است که میزان استفاده از آن رو به افزایش باشد (هدایتی و همکاران، ۱۳۹۵).

برنامه درسی مبتنی بر شایستگی به عنوان رویکرد نسبتاً جدید در طراحی برنامه درسی است که هدف آن تمرکز بر «آموزش نیروی انسانی متخصص برای اشتغال در بازار کار جهانی» است (هادی زاده، خسروی بابادی، عصاره و نوروززاده، ۱۳۹۹). منظور از برنامه درسی مبتنی بر شایستگی برنامه ای است که بر اساس دانش، مهارت، توانایی، نگرش، گرایش و اعتقادات مورد نیاز دانش آموختگان رشته خاصی طراحی و تدوین شود (مومنی مهموئی و شریعتمداری، ۱۳۸۷). معلمان باید در نظام برنامه درسی مبتنی بر شایستگی مهارت داشته باشند و آموزش ببینند، زیرا آنها ضربان قلب نوآوری هستند (آکالا<sup>۶</sup>، ۲۰۲۱). برنامه درسی مبتنی بر شایستگی اغلب در مقابل برنامه درسی سنتی یا برنامه درسی محتوا محور مورد بررسی قرار می گیرد. در برنامه درسی محتوا محور که دیدگاهی سنتی به آموزش دارد بر کسب دانش موضوعی (هیل و هاگتن<sup>۸</sup>، ۲۰۰۱): مهارت های و توانایی های شناختی (لوباتوا و شونین<sup>۹</sup>، ۲۰۰۸)، اولویت داشتن دانش بر کاربردها (سردنکیک<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۳) تاکید می شود. اوریانج<sup>۱۱</sup> و همکاران (۱۹۹۳) بیان می کنند که برنامه درسی مبتنی بر شایستگی سه هدف عمده را دنبال می کند: اول، یادگیری دیسیپلین ها و موضوعات درسی؛ دوم، رشد مهارت های عمومی و تخصصی و سوم، رشد ظرفیت یادگیری برای یادگیری.

از پژوهش های داخلی مرتبط با موضوع پژوهش حاضر می توان به پژوهش هادی زاده و همکاران (۱۳۹۹) اشاره نمود که برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در نظام آموزش عالی مهارتی را مورد بررسی قرار دادند. یافته ها در شش گروه از مقوله ها با عنوان ۱. عوامل یا شرایط علی ۲. پدیده محوری ۳. مقوله های راهبردی ۴. شرایط زمینه ای ۵. مقوله های واسطه ای و ۶. مقوله های پیامدی شناسایی و تبیین شدند. خلیلی، سعادت مند و کشتی آرای (۱۳۹۸) الگوی برنامه درسی، مبتنی بر آموزش شایسته محور پلیس را مورد بررسی قرار دادند. بر اساس نتایج، الگوی برنامه درسی تایلر با

<sup>5</sup> Personal traits

<sup>6</sup> Koenen et al

<sup>7</sup> Akala

<sup>8</sup> Hill & Houghton

<sup>9</sup> Lobanova & Shumin

<sup>10</sup> Serdenciuc

<sup>11</sup> Everwinj

۱۶ دوره آموزش عمومی و ۷ دوره تخصصی طراحی گردید. زیرک و حسینی خیرآبادی (۱۳۹۶) نشان دادند برنامه درسی مبتنی بر شایستگی، صلاحیت های لازم را در معلمان برای ورود به مدارس در آنها پدید می آورد و موجبات موفقیت آنها را در موقعیت های مختلف به ویژه مدیریت کلاس درس فراهم می کند. یافته های رنج دوست و علیزاده (۱۳۹۶) حاکی از آن بود که برنامه درسی مبتنی بر شایستگی را می توان گامی در راستای تقویت و احیای شایستگی های دانش آموختگان متناسب با نیازهای جامعه و بازار کار و صنایع در نظر گرفت. مومنی مهمونی و همکاران (۱۳۹۰) توصیه نمودند که درسی بایستی به گونه ای تدوین شود که شایستگی های لازم را به منظور موفقیت دانش آموختگان در موقعیت های شغلی و مسایل زندگی در آنها ایجاد و تقویت نماید. اسدی خرگردی (۱۳۹۷) نشان داد شایستگی های حرفه ای و سواد برنامه درسی معلمان و مدیران آموزشی بر ارزشیابی آنان از محتوای کتب درسی دوره ابتدایی تأثیری مثبت دارد.

از جمله مطالعات خارجی مرتبط با موضوع این پژوهش می توان به پژوهش اسپرات<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۹) اشاره نمود که نشان داد عوامل زیر را به عنوان توسعه دهنده حرفه معلمان معرفی نمود: در نظر گرفتن دانشجویان به عنوان همکار در توسعه و رشد حرفه ای، یادگیری با دانشجویانی که سوالات چالش برانگیز مطرح می کنند، توسعه روابط حرفه ای و پایدار، و کار در حرفه های خارج از تحصیلات. زلر<sup>۱۳</sup> و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی جهت طراحی و اجرای برنامه آموزش پزشکی در جهت انتقال شایستگی ها، عناصر و مؤلفه های اهداف، محتوا، ابزار سنجش، زمانبندی سنجش، استانداردهای ارزشیابی و زمان اتمام برنامه را در پژوهش مورد توجه قرار داده اند. آنها در بعد اهداف به دانش کاربردی، در بعد محتوا به همکاری مدرس و یادگیرنده، در بعد ابزارهای سنجش به مقیاس های چندمنظوره، در بعد زمانبندی سنجش به سنجش تکوینی، در بعد استانداردهای ارزشیابی به آزمون های معیار محور و در زمان اتمام برنامه، به متغیر بودن زمان اشاره و تأکید دارند. هرماندز پینا و مونروی<sup>۱۴</sup> (۲۰۱۵) شایستگی های کانونی دانشجویان کارشناسی رشته های فنی را از منظر استادان مورد بررسی قرار داده اند. آنها در پژوهش خود ۱۸ شایستگی را شناسایی می کنند. به زعم آنها، مهمترین شایستگی ها برای دانشجویان کارشناسی، مهارت های ارتباطی، مدیریت زمان، تفکر انتقادی و کاربرد دانش است. دیلمور<sup>۱۵</sup> و همکاران (۲۰۱۱) فلسفه، اهداف، استانداردها، آموزش و ارزشیابی را به عنوان مهم ترین عناصر برنامه درسی در رویکرد شایستگی معرفی می کنند. لنبورگ<sup>۱۶</sup> و همکاران (۲۰۰۹) در طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی به عناصر شایستگی ها، دستاوردهای یادگیری (هدف)، راهبردهای تدریس - یادگیری و ارزشیابی اشاره می - کنند.

با عنایت به مطالب قبلی، می توان گفت علی رغم پژوهش های انجام شده در حوزه برنامه درسی مبتنی بر شایستگی و مولفه های تشکیل دهنده آن، تاکنون تأثیر برنامه درسی مبتنی بر شایستگی و مولفه های آن بر رشد حرفه ای مورد بررسی قرار نگرفته است. به نظر می رسد با توجه به نیاز این گروه از معلمان به توسعه دانش، نگرش و مهارت ها در حرفه فرایند تدریس در آینده شغلی، و تأثیری که برنامه درسی مبتنی بر شایستگی میتواند بر رشد حرفه ای معلمان داشته باشد، مطالعه تأثیر مولفه های این نوع برنامه درسی می تواند مفید واقع شود. لذا با توجه به آنچه گفته شد این پژوهش با در نظر گرفتن مولفه های برنامه درسی مبتنی بر شایستگی به دنبال پاسخ گویی به این سوال اصلی است که برنامه درسی مبتنی بر شایستگی چه تأثیری بر رشد حرفه ای معلمان دانشجو دارد؟ همچنین مدل مفهومی پژوهش حاضر بر اساس شکل ۱ می باشد.

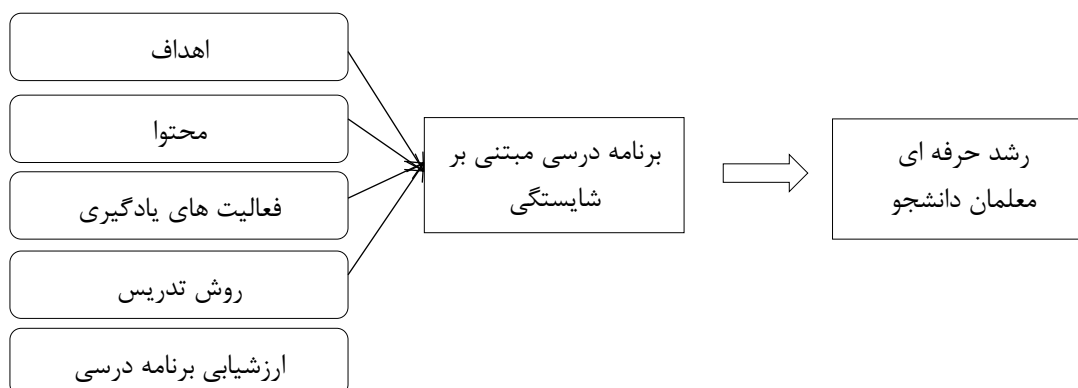
<sup>12</sup> Sprott

<sup>13</sup> Zeller

<sup>14</sup> Hernández-Pina & Monroy

<sup>15</sup> Dilmore

<sup>16</sup> Lenburg



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

## ۲) روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری در برگرنده دانشجویان دانشگاه فرهنگیان در مرکز پردیس امیر کبیر البرز بودند که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ مشغول به تحصیل بوده اند. بر اساس آخرین اطلاعات دریافتی از آن دانشگاه، تعداد دانشجویان این دانشگاه، ۱۲۰۰ نفر می باشد. روش نمونه گیری به صورت در دسترس بود که بر اساس فرمول تعیین حجم نمونه کوکران، تعداد ۲۹۱ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش جمع آوری اطلاعات به صورت پیمایشی و ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه های استاندارد به شرح ذیل بودند:

پرسشنامه برنامه درسی مبتنی بر شایستگی: گویه های این پرسشنامه بر اساس الگوی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی تهیه شد که توسط هدایتی (۱۳۹۵)، طراحی و اعتباریابی شد. الگوی مذکور شامل ۳۴ سوال و ۴ عنصر اصلی: اهداف (۵ سوال)، محتوا (۱۰ سوال) و فعالیت های یادگیری (۹ سوال)، روش (۶ سوال) و ارزشیابی (۴ سوال) می باشد. گویه های این پرسشنامه در طیف ۵ درجه ای لیکرت (خیلی زیاد تا خیلی کم) طراحی شده است. هدایتی، ملکی، صادقی و هدایتپور (۱۳۹۵) روایی پرسشنامه بر اساس روایی محتوا، مطلوب ارزیابی نمودند و پایایی پرسشنامه در پژوهش ایشان برابر با ۰/۷۱ بود. در پژوهش حاضر نیز روایی پرسشنامه بر اساس نظرات ۱۵ نفر از متخصصین برنامه درسی مطلوب بود و پایایی کل پرسشنامه بر اساس محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۲ و برای ابعاد پرسشنامه (اهداف = ۰/۷۴، محتوا = ۰/۸۲، فعالیت های یادگیری = ۰/۷۹، روش تدریس = ۰/۷۰ و ارزشیابی = ۰/۷۶) بوده است.

پرسشنامه رشد حرفه ای: برای سنجش سازه رشد حرفه ای از پرسشنامه ی رشد حرفه ای آکفیلت و کوت (۲۰۰۵) استفاده شد این پرسشنامه دارای ۵ گویه با مشخصه هایی چون؛ فرصت یادگیری، پیگیری یادگیری، ترغیب سازمانی، مداومت در رشد و یادگیری مهارت های جدید می باشد. نمره گذاری آن در یک مقیاس ۵ درجه ای لیکرت ( ۱=کاملاً مخالفم، الی ۵=کاملاً موافقم) می باشد. پایایی این آزمون بر اساس اکثر پژوهش ها مورد تأیید قرار گرفته است. پایایی پرسشنامه در پژوهش اصغری نیاری (۱۳۹۵)، ۰/۷۱ محاسبه شد و روایی آن مطلوب ارزیابی شد. پایایی پرسشنامه در تحقیق حدادنژاد طهرانی (۱۳۹۵)، ۰/۸۹ ارزیابی شد. روایی پرسشنامه از دیدگاه ۱۵ تن از اساتید و صاحب نظران برنامه ریزی درسی مطلوب بوده است. همچنین پایایی پرسشنامه بر اساس محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۳ ارزیابی شد که مطلوب بوده است.

با توجه به شیوع ویروس کرونا، پرسشنامه ها به صورت الکترونیکی برای نمونه ها ارسال شد و پاسخ های جمع آوری شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۵ و بهره گیری از روش های آمار توصیفی و استنباطی انجام شد.

### ۳ یافته های پژوهش

توصیف جمعیت شناختی نمونه های پژوهش بر اساس جدول شماره ۱ بوده است.

جدول ۱- توصیف جمعیت شناختی نمونه های پژوهش

جنسیت		تحصیلات		گروه سنی	
عنوان	فراوانی	درصد	عنوان	فراوانی	درصد
مرد	۱۲۴	۴۲/۶	لیسانس	۲۰۴	۷۰/۱
زن	۱۶۷	۵۷/۴	فوق لیسانس	۸۷	۲۹/۹
جمع	۲۹۱	۱۰۰/۰	جمع	۲۹۱	۱۰۰/۰
			بالای ۴۰	۲۴	۸/۲
			جمع	۲۹۱	۱۰۰/۰

بر اساس اطلاعات جدول ۱، در این پژوهش فراوانی نمونه های زن بیشتر از مردان بود. جمعیت نمونه ها با تحصیلات لیسانس بیشتر از تحصیلات فوق لیسانس بود. همچنین نمونه ها با گروه سنی ۳۱ تا ۳۵ بیشترین جمعیت و نمونه های بالای ۴۰ سال کمترین جمعیت را در پژوهش حاضر داشتند.

در جدول ۲ شاخص های مرکزی و پراکندگی متغیرها نشان داده شده است.

جدول ۲- شاخص های مرکزی و پراکندگی متغیرها

متغیر	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشدگی
برنامه درسی مبتنی بر شایستگی	۳/۱۵	۰/۴۶	۰/۲۲	-۰/۰۱	-۰/۳۹
اهداف	۳/۲۰	۰/۸۴	۰/۷۱	-۰/۰۹	-۰/۷۹
محتوا	۳/۲۰	۰/۶۹	۰/۴۷	-۰/۲۲	-۰/۴۳
فعالیت های یادگیری	۳/۱۰	۰/۶۵	۰/۴۲	-۰/۱۵	-۰/۲۷
روش تدریس	۳/۱۳	۰/۷۱	۰/۵۰	-۰/۰۱	-۰/۶۶
ارزشیابی	۳/۱۱	۰/۷۴	۰/۵۴	-۰/۱۴	-۰/۲۲
رشد حرفه ای	۳/۲۹	۰/۶۲	۰/۳۸	۰/۰۷	-۰/۵۶

بر اساس داده های جدول ۲، مقدار میانگین متغیرها و مولفه های آن در حد متوسط شاخص بوده است. میانگین رشد حرفه ای (۳/۲۹) بیشتر از میانگین برنامه درسی مبتنی بر شایستگی (۳/۱۵) بود. از میان مولفه های برنامه درسی مبتنی بر شایستگی، بیشترین میانگین متعلق به «اهداف و محتوا» (۳/۲۰) و کمترین میانگین متعلق به «فعالیت های یادگیری» (۳/۱۰) بوده است.

به منظور تعیین روش آماری، نرمال بودن توزیع داده ها از طریق آزمون کولموگروف-اسمیرنوف مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون نرمال بودن توزیع داده ها

آماره	درجه آزادی	سطح معناداری
۰/۰۳۸	۲۹۱	برنامه درسی مبتنی بر شایستگی
۰/۰۴۲	۲۹۱	رشد حرفه ای

با توجه به سطح معناداری آزمون در جدول ۳ می توان گفت که توزیع داده ها نرمال می باشد ( $P < 0.05$ )، همچنین به منظور بررسی استقلال مشاهدات (استقلال مقادیر باقی مانده یا خطاها) از یکدیگر از آزمون دوربین- واتسون استفاده شد که مقدار آن برابر با ۱/۹۲۵ بوده و در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار داشت لذا شرط استقلال خطاها نیز برقرار بود. بنابراین از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون برای آزمون فرضیه ها استفاده شد.

**فرضیه اول:** برنامه مبتنی بر شایستگی بر رشد حرفه ای دانشجو معلمان تاثیر دارد. جهت آزمون این فرضیه از آزمون رگرسیون خطی ساده استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴- نتایج آزمون رگرسیون خطی ساده در تاثیر برنامه درسی مبتنی بر شایستگی بر رشد حرفه ای

ضریب رگرسیون	R2	رگرسیون تعدیل شده	ضریب بتا	مقدار B ثابت	مقدار B وابسته	t	سطح معناداری
۰/۶۵۳	۰/۴۲۶	۰/۴۲۴	۰/۶۵۳	۰/۵۶۶	۰/۸۶۵	۱۴/۶۴۵	۰/۰۰۰

بر اساس نتایج جدول ۴، میزان رگرسیون تعدیل شده برابر با ۴۲۴/ می باشد که نشان می دهد که ۴۲/۴ درصد از تغییرات رشد حرفه ای از طریق برنامه درسی مبتنی بر شایستگی قابل پیش بینی است. بین دو متغیر به اندازه ۰/۶۵۳ همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین مقدار t از مقدار بحرانی بزرگتر است. لذا می توان گفت برنامه مبتنی بر شایستگی بر رشد حرفه ای دانشجو معلمان تاثیر دارد ( $P < 0.05$ ). معادله رگرسیونی جهت پیش بینی دقیق رشد حرفه ای به صورت ذیل می باشد:

$$Y = 0.653X + 0.566$$

در معادله بالا با قرار دادن مقدار میانگین برنامه ریزی درسی مبتنی بر شایستگی، می توان رشد حرفه ای را پیش بینی نمود.

**فرضیه دوم:** مولفه های برنامه مبتنی بر شایستگی بر رشد حرفه ای دانشجو معلمان تاثیر دارند. جهت آزمون این فرضیه از آزمون رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد. در جدول ۵ مدل رگرسیونی نشان داده شده است.

جدول ۵- مدل رگرسیونی در آزمون تاثیر مولفه های برنامه مبتنی بر شایستگی بر رشد حرفه ای دانشجو معلمان

مدل	ضریب رگرسیون	R2	رگرسیون تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۱	۰/۷۵۰	۰/۵۶۳	۰/۵۵۶	۰/۴۱۰۲

بر اساس نتایج جدول ۵، میزان رگرسیون تعدیل شده برابر با ۵۵۶/ می باشد که نشان می دهد که ۵۵/۶ درصد از تغییرات رشد حرفه ای از طریق مولفه های برنامه درسی مبتنی بر شایستگی قابل پیش بینی است. نتایج تحلیل معناداری تاثیر مولفه های برنامه درسی مبتنی بر شایستگی بر رشد حرفه ای در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶- نتایج تحلیل معناداری تاثیر مولفه های برنامه درسی مبتنی بر شایستگی بر رشد حرفه ای

مدل	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده		t	سطح معناداری
		Bمیزان	خطای معیار		
(مقدار ثابت)	۰/۵۸۷	۰/۱۶۶	۳/۵۲۸	۰/۰۰۰	
اهداف	۰/۲۶۲	۰/۰۳۲	۸/۳۰۹	۰/۰۰۰	
محتوا	۰/۴۳۴	۰/۰۳۹	۱۱/۰۶۲	۰/۰۰۰	
فعالیت های یادگیری	۰/۱۷۶	۰/۰۵۱	۳/۴۲۳	۰/۰۰۱	

روش تدریس	۰/۰۳۱	۰/۰۴۴	۰/۰۳۵	۰/۰۶۹۳	۰/۰۴۸۹
ارزشیابی	-۰/۰۵۳	۰/۰۳۸	-۰/۰۶۴	۱/۴۰۵	۰/۱۶۱

نتایج جدول ۶ نشان می دهد:

- بین مولفه «هدف» و رشد حرفه ای به اندازه ۰/۳۵۸ همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین مقدار t از مقدار بحرانی بزرگتر است. لذا می توان گفت مولفه «هدف» بر رشد حرفه ای دانشجو معلمان تاثیر دارد ( $P < 0.05$ ).

- بین مولفه «محتوا» و رشد حرفه ای به اندازه ۰/۴۸۴ همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین مقدار t از مقدار بحرانی بزرگتر است. لذا می توان گفت مولفه «محتوا» بر رشد حرفه ای دانشجو معلمان تاثیر دارد ( $P < 0.05$ ).

- بین مولفه «فعالیت های یادگیری» و رشد حرفه ای به اندازه ۰/۴۸۴ همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین مقدار t از مقدار بحرانی بزرگتر است. لذا می توان گفت مولفه «فعالیت های یادگیری» بر رشد حرفه ای دانشجو معلمان تاثیر دارد ( $P < 0.05$ ).

- بین مولفه «روش تدریس» و رشد حرفه ای به اندازه ۰/۰۳۵ همبستگی وجود دارد. همچنین مقدار t از مقدار بحرانی کوچکتر است. لذا می توان گفت مولفه «روش تدریس» بر رشد حرفه ای دانشجو معلمان تاثیر ندارد ( $P > 0.05$ ).

- بین مولفه «ارزشیابی» و رشد حرفه ای به اندازه ۰/۰۶۴ همبستگی منفی وجود دارد. همچنین مقدار t از مقدار بحرانی کوچکتر است. لذا می توان گفت مولفه «ارزشیابی» بر رشد حرفه ای دانشجو معلمان تاثیر ندارد ( $P > 0.05$ ).

همچنین معادله رگرسیونی جهت پیش بینی دقیق رشد حرفه ای به صورت ذیل می باشد:

$$Y = 0.587 + 0.262 X_1 + 0.434 X_2 + 0.176 X_3$$

در معادله بالا با قرار دادن مقدار میانگین اهداف، محتوا و فعالیت های یادگیری، می توان رشد حرفه ای را پیش بینی نمود.

#### ۴ نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین تأثیر برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در رشد حرفه ای دانشجویان معلم انجام شد. نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد که برنامه درسی مبتنی بر شایستگی بر رشد حرفه ای معلمان دانشجو تاثیر معناداری دارد و می تواند حدود ۴۲ درصد از تغییرات رشد حرفه ای را پیش بینی نماید. این یافته ها تا حدودی با یافته های زیرک و حسینی خیرآبادی (۱۳۹۶)، رنجدوست و علیزاده (۱۳۹۶) و مومنی مهموئی و همکاران (۱۳۹۰)، چنگ (۲۰۱۲) و کوئنن و همکاران (۲۰۱۵) همخوانی دارد.

در تبیین یافته های حاصل از آزمون این فرضیه می توان گفت استفاده از یک رویکرد مبتنی بر شایستگی در یک برنامه درسی باید به گونه ای طراحی شود که فارغ التحصیلان را برای کار آماده سازد و تاکیدش بر مهارت های تفکر انتقادی و حل مسئله باشد (والش<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۲). شایستگی علاوه بر دانش شامل توانایی، مهارت، نگرش و انگیزه نیز می باشد. در این برنامه های سعی بر آن است که فرد، شایستگی را در عمل نیز یاد بگیرد. بر این اساس، پس از ارائه دانش به تمرین شایستگی پرداخته می شود و تاکید آن بر شایستگی های اساسی (دانش ها، مهارت ها و نگرش ها) است. برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در بر دارنده رشد شایستگی های عمومی نیز است. شایستگی هایی از قبیل ظرفیت انتقال دانش، خلاقیت و حل مسئله. از سوی دیگر با توجه به تغییرات سریع جامعه جهانی و تغییرات گسترده در حوزه علوم و فناوری، رشد حرفه ای نیروی انسانی به عنوان ضرورتی انکار ناپذیر است. در جوامع پیشرفته صنعتی سرعت تحول نظام های آموزشی به گونه ای است که هرچند سال یکبار، در ساختار نظام آموزشی دگرگونی کلی ایجاد می

<sup>۱۷</sup> Walsh



شود، لذا رشد حرفه ای به عنوان یک ضرورت می باشد. رشد حرفه ای، زمانی به تحقق می پیوندد که سازمان ها و صنایع فرصت های لازم را برای بهبود و ارتقای مهارت ها و دانش مرتبط با کار را برای کارکنان فراهم می نمایند و عناصر برنامه درسی با رویکرد شایستگی به دنبال تحقق این اهداف می باشد.

نتایج آزمون فرضیه دوم نشان داد که از میان مولفه های برنامه درسی مبتنی بر شایستگی، مولفه های هدف، محتوا و فعالیت های یادگیری بر رشد حرفه ای دانشجومعلمان تاثیر دارد. این یافته ها در راستای یافته های چنگ (۲۰۱۲)، زیرک و حسینی خیرآبادی (۱۳۹۶)، فودینگ (۲۰۰۴)، گندمی (۱۳۹۵) و الیوت<sup>۱۸</sup> (۲۰۰۴)، هدایتی (۱۳۹۵)، کوئنن و همکاران (۲۰۱۵) و ورهیس (۲۰۰۱) می باشد.

در تبیین این یافته ها می توان گفت که عنصر هدف در برنامه درسی شامل ویژگی هایی از قبیل وضوح در بیان هدف ها، مشخص بودن استانداردها و سطوح اهداف، جامعیت از لحاظ شمول ابعاد دانش، مهارت و نگرش، قابل اندازه گیری بودن و واقع بینانه بودن می باشد. به اعتقاد چنگ (۲۰۱۲) در برنامه درسی مبتنی بر شایستگی باید هدف ها به وضوح بیان شود و تصمیمات مربوط به انتخاب مواد آموزشی، محتوا، روش های آموزشی و ارزشیابی به تبع از اهداف، اتخاذ شود. به زعم فوگدینگ<sup>۱۹</sup> (۲۰۰۴) در اهداف برنامه درسی مبتنی بر شایستگی باید به داشتن فعلی که چگونگی و کیفیت عمل یادگیرنده را نشان می دهد، توجه شده و شرایطی که یادگیرنده در آن باید یادگیری و مهارت خود را بروز دهد، بیان شود. گبی<sup>۲۰</sup> (۲۰۰۴) نیز در رابطه با هدف های برنامه درسی مبتنی بر شایستگی بر رفتاری بودن هدف ها تاکید دارد.

در زمینه عنصر محتوا، به ویژگی هایی از قبیل جامعیت، اعتبار، به روز بودن و استفاده از سازماندهی افقی و عمودی مناسب، تناسب با نیازهای جامعه و تاکید بر انتقال پذیری اشاره شده است. الیوت<sup>۲۱</sup> (۲۰۰۴) در محتوای برنامه درسی مبتنی بر شایستگی به تناسب بین محتوا و شایستگی هایی که برنامه درسی در صدد ایجاد و پرورش آن هاست تاکید می کند. جذابیت، متناسب بودن با ویژگی های یادگیرندگان و سازماندهی مناسب را از دیگر ویژگی های محتوا در برنامه درسی مبتنی بر شایستگی معرفی می کند. همچنین گندمی (۱۳۹۵) اشاره نمود مولفه های رشد حرفه ای دارای عناصر ساختاری و فرایندی، و عناصر محتوایی است. بر اساس نظریه شولمن (۱۹۸۷)، دانش پداگوژیکی محتوا، یکی از ابعادی است که در طراحی محتوای برنامه های تربیت حرفه ای باید لحاظ دانست. این به معنای تمرکز بر موضوع درسی، همراه با دلالت هایی برای آموزش و یادگیری محتوا (طراحی-آموزش و سنجش) می باشد. هنگامی که اجرای نوآوری هایی از جمله تعیین استانداردها و اهداف جدید و رویکردهای جدید در ارزشیابی انتظارات رفتاری جدیدی را برای معلمان در کلاس درس و عملکرد دانش آموزان به همراه می آورد، رعایت این اصل از اهمیت بیشتری برخوردار است.

در زمینه فعالیت های یادگیری به ویژگی هایی مانند فعال بودن دانشجو، تلفیقی بودن فعالیت ها، توجه به فعالیت های فردی و گروهی، ارتباط با دنیای کار، تسهیل گر بودن در پیوند بین نظر و عمل و مشارکتی بودن فعالیت ها اشاره شده است (هدایتی، ۱۳۹۵). در راستا ورهیس<sup>۲۲</sup> (۲۰۰۱) درباره فعالیت های یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر شایستگی بیان می کند که این نوع برنامه، تجارب یادگیری تلفیقی را برای فراگیران فراهم می کند که در آن دانش،

<sup>18</sup> Elliott

<sup>19</sup> Foegeding

<sup>20</sup> Gebbie

<sup>21</sup> Elliott

<sup>22</sup> Voorhees

مهارت و نگرش افراد در جهت عملکردی خاص با هم تلفیق شوند. فولانتلی و اپرا<sup>۲۳</sup> (۲۰۱۱) نیز از آن می‌دارند که فعالیت‌های یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر شایستگی باید بر انتقال پذیری شایستگی‌ها از یک موقعیت و موضوع درسی به موقعیت و موضوعات دیگر تاکید داشته باشد. سیستم انتقال اعتبار اروپا<sup>۲۴</sup> (ECTS) نیز این ویژگی را به عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها در اتخاذ فعالیت‌های یادگیری بر می‌شمارد. به زعم فورد<sup>۲۵</sup> (۲۰۱۴) از دیگر ویژگی‌های فعالیت یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر شایستگی، تاکید آن بر تلفیق دانش، مهارت و نگرش در فعالیت‌ها و مشارکتی بودن آن است. کوئنن و همکاران (۲۰۱۵) نیز بر ویژگی‌های مشارکت و فعالیت یادگیرندگان در قالب کار تیمی و پروژه‌های فردی و گروهی تاکید دارند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، از آنجایی که معلمان دانشجو در آینده‌ای نه چندان دور وارد محیطی می‌شوند که به تعلیم و تربیت فرزندان این مرز و بوم می‌پردازند، لازم است تا به سطح مطلوبی از شایستگی حرفه‌ای معلمان در ابعاد دانشی، مهارتی و نگرشی که در سند تحول بنیادین و برنامه ملی درسی به آن توجه شده است، برای تحقق این امر بهتر است که برنامه درسی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان از این نظر مورد بازبینی قرار گیرد و به آنچه که دانشجویان در طول چهار سال تحصیلی در ابعاد دانشی، مهارتی و نگرشی باید بدان برسند، نظارت بیشتری صورت گیرد. به منظور تقویت عوامل موثر بر توسعه رشد حرفه‌ای بر اساس مولفه‌های برنامه درسی مبتنی بر شایستگی، بایستی دوره‌های آموزشی یا کارگاه‌های تخصصی برگزار شود و در همین رابطه از اساتید صاحب‌نظر دعوت به عمل آید. با توجه به نقش حیاتی «اهداف» در برنامه‌های درسی مبتنی بر شایستگی، بایستی اهداف برنامه درسی کاملاً واضح و قابل فهم باشد و روش‌های رسیدن به اهداف کلی به اهداف جزئی مشخص باشد. «محتوای آموزشی» که برای یادگیری ارائه می‌شود، باید جالب توجه و رضایت بخش باشد. برای روایی داشتن، محتوای آموزشی باید متناسب، درست و تازه باشد، اما فقط موقعی محتوای آموزشی بامعنا خواهد بود که به نیازهای فراگیران توجه شود. همچنین با توجه به نقش پررنگ «فعالیت‌های یادگیری» در برنامه درسی، این فعالیت‌ها باید در بردارنده فرصت‌هایی بیشتر برای انجام فعالیت‌های یادگیری معنادار در کنار راهبردهای یادگیری موثر باشد. به استادان گرامی پیشنهاد می‌شود که در جهت سوق برنامه درسی به سوی پرورش شایستگی‌ها، ویژگی‌های شناسایی شده برای هر یک از عناصر برنامه ریزی درسی مبتنی بر شایستگی را در فرایند آموزش اعمال کنند. به علاوه از شایستگی‌های شناسایی شده می‌توان به ویژه در جهت دهی و تعیین هدف‌های برنامه و همچنین محتوای مورد نیاز در جهت پوشش شایستگی‌ها استفاده کرد.

از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به این مورد اشاره نمود که تکمیل پرسشنامه‌ها از سوی دانشجویان و جمع‌آوری آن، به علت غیرحضور بودن تکمیل آن، با دشواری همراه بود، همچنین پژوهش حاضر بر روی ۲۹۱ نفر از معلمان دانشجوی دانشگاه فرهنگیان کرج و بدون توجه به جنسیت انجام شد، لذا بایستی با احتیاط، نتایج را تعمیم داد. پیشنهاد می‌شود جهت افزایش قابلیت تعمیم پذیری، این پژوهش با نمونه‌های بیشتری در سایر دانشگاه‌ها و یا در سطح سایر شهرستان‌ها انجام شود. همچنین توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی، دانشجویان دختر و پسر از لحاظ میزان رشد حرفه‌ای و عوامل موثر بر آن با یکدیگر مقایسه گردند.

## ۵) فهرست منابع

اصغری نیاری، یعسوب؛ خالق خواه، علی؛ سیدکلان، سیدمحمد و ابراهیم پور، حبیب. (۱۳۹۵). بررسی نقش مکانیزم‌های معرفت‌پذیری در بهبود قابلیت حرفه‌ای معلمان، مجله‌ی روان‌شناسی مدرسه، ۵(۱): ۲۵-۷.

<sup>23</sup> Fulantelli & Oprea

<sup>24</sup> European Credit Transfer System

<sup>25</sup> Ford

خروشی، پوران و محمدی و ندیشی، زهره. (۱۳۹۵). بررسی صلاحیت های حرفه ای معلمان دانشجویان از دیدگاه مدرسان و دانشجویان دانشگاه فرهنگیان اصفهان. توسعه حرفه ای معلم، ۲ (۲): ۱-۱۴.

صبوری خسرو شاهی و کاووسی و حقیقی. (۱۳۹۲). جهانی شدن و تحول در آموزش و پرورش. تهران: انتشارات مشق شب.

خلیلی، سید حسن، سعادت‌مند، زهره، کشتی آرای، نرگس کشتی آرای. (۱۳۹۸). طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی، مبتنی بر آموزش شایسته محور پلیس (مطالعه موردی: فرماندهی انتظامی استان اصفهان). پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۱۶ (۶۳): ۷۸-۹۲.

هادی زاده، مریم، خسروی بابادی، علی‌اکبر، عصاره، علیرضا، نوروززاده، رضا. (۱۳۹۹). طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در نظام آموزش عالی مهارتی (مطالعه موردی: دانشگاه جامع علمی کاربردی). پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۱۷ (۶۶): ۱-۲۱.

اسدی خرگردی، زهرا. (۱۳۹۷). بررسی تاثیر شایستگی های حرفه ای و سواد برنامه درسی معلمان و مدیران آموزشی بر ارزشیابی آنان از محتوای کتب درسی دوره ابتدایی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تایباد.

صفری، اکرم؛ عبدالهی، بیژن؛ نوه ابراهیم، عبدالرحیم؛ زین آبادی، حسن رضا. (۱۳۹۶). واکاوی موانع رشد حرفه‌ای همکاران معلمان در مدارس: پژوهشی آمیخته. مدیریت مدرسه، ۵ (۱): ۲۳-۴۹.

عباباف، زهره؛ فتحی واجارگاه، کورش؛ فراستخواه، مقصود؛ مهرعلیزاده، یدالله. (۱۳۹۲). سواد برنامه درسی برای مدرسین دانشگاه از نگاه مدرسان حوزه، مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، ۷ (۱): ۷-۲۹.

گندمی، فهیمه. (۱۳۹۵). به سوی رویکردی مدرسه بنیان در حوزه رشد و بالندگی حرفه ای معلمان، تعیین عناصر اساسی یک رویکرد اثربخش، فصلنامه تربیت معلم فکور، ۲ (۲): ۱۴۰-۱۱۹.

مومنی مهموئی، حسین؛ کاظم پور، اسماعیل؛ تفرشی، محمد. (۱۳۹۰). برنامه ریزی درسی مبتنی بر شایستگی؛ راهبردی مطلوب برای توسعه شایستگی های اساسی، راهبردهای آموزش در علوم پزشکی (راهبردهای آموزشی) دوره ی چهارم - شماره ۳ رتبه علمی-پژوهشی (وزارت علوم) ISC/ (8 صفحه - از ۱۴۳ تا ۱۵۰) هدایتی، اکبر. (۱۳۹۵). طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی برای دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه درسی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

هدایتی، اکبر، ملکی، حسن، صادقی، علیرضا و سعدی پور، اسمائیل. (۱۳۹۵). طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی برای دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه درسی. پژوهش های کیفی در برنامه درسی. دانشگاه علامه طباطبایی، ۱ (۴): ۲۷-۶۱.

مؤمنی مهموئی، حسین و شریعتمداری، علی. (۱۳۸۷). طراحی الگوی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی برای مقطع کارشناسی رشته آموزش ابتدایی، دوفصلنامه مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی، ۱ (۱۴۹): ۱۴۹-۱۲۸.

زیرک، مهدی؛ حسینی خیر آبادی، سید حسن. (۱۳۹۶). برنامه ریزی درسی مبتنی بر شایستگی معلمان گامی موثر در جهت بهسازی برنامه های درسی و بهبود مدیریت کلاس درس آموزش علوم تجربی، سومین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران.

رنجدوست، شهرام؛ عزیزاده، لیلا. (۱۳۹۶). نقش عناصر برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در آموزش عالی، کنفرانس ملی رویکردهای نوین علوم انسانی در قرن ۲۱.

حدادنژاد طهرانی، سولماز. (۱۳۹۵). مطالعه انواع جو سازمانی و بررسی تاثیر آن بر رشد حرفه ای کارکنان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد تهران جنوب، دانشکده مدیریت.

Ackfelt, A. L. & Coote, L. V. (2005). A study of organizational citizenship behaviors in retail setting. *Journal of Business Research*, 58(6), 24-34.

Akala, B. M. M. (2021). Revisiting education reform in Kenya: A case of Competency Based Curriculum (CBC). *Social Sciences & Humanities Open*, 3(1), 100107.

Dilmore, T; Moore, D; Bjork, Z. (2011). Implementing Competency-Based Education: A Process Workbook, *University of Pittsburgh Press*.

Elliott, Seif. (2004). Criteria for Selecting Understanding Based Curriculum Materials, Neshaminy School District, Langhorne, Pennsylvania.

Fulantelli, G., & Oprea, L. (2011). Preparing the teachers for a competence-based education system. *Verfügbar unter: [http://www.adam-europe.eu/prj/5936/prj/Sloop2desc\\_book.pdf](http://www.adam-europe.eu/prj/5936/prj/Sloop2desc_book.pdf) [04.06.2014]*.

Hairon, S., Tan, C. (2016), Professional Learning Communities in Singapore and Shanghai: Implications for Teacher Collaboration. *Compare: A Journal of Comparative and International Education*, 47(1): 91-104.

Hernández-Pina, F., & Monroy, F. (2015). A preliminary study of teachers' perception of core competencies for undergraduate students. *Psicología educativa*, 21(1), 11-16.

Hill, J., & Houghton, P. (2001). A reflection on competency-based education: Comments from Europe. *Journal of Management Education*, 25(2), 146-166.

Koenen, A. K., Dochy, F., & Berghmans, I. (2015). A Phenomenographic analysis of the implementation of competence-based education in higher education. *Teaching and Teacher Education*, 50, 1-12.

Lenburg, C., Klein, C., Abdur-Rahman, V., Spencer, T., & Boyer, S. (2009). The COPA Model: A comprehensive framework designed to promote quality care and competence for patient safety. *Nursing Education Perspectives* 30(5). 312-317

Lobanova, T., & Shunin, Y. (2008). Competence-based education: A common European strategy. *Computer Modelling and New Technologies*, 12(2), 45-65.

Serdenciuc, N. L. (2013). Competency-based education—Implications on teachers' training. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 76, 754-758.

Sprott, R. A. (2019). Factors that foster and deter advanced teachers' professional development. *Teaching and Teacher Education*, 77, 321-331.

Voorhees, R. A. (2001). Competency-Based learning models: A necessary future. *New directions for institutional research*, 2001(110), 5-13.

Zeller, M. P., Sherbino, J., Whitman, L., Skeate, R., & Arnold, D. M. (2016). Design and Implementation of a Competency-Based Transfusion Medicine Training Program in Canada. *Transfusion medicine reviews*, 30(1), 30-36.

## **The Effect of Competency-Based Curriculum in the Professional Development of Teacher Students**

### **Abstract**

Today, teachers increasingly need to develop professional skills and technical skills to meet the needs of learners. One of the factors that can influence the professional growth of teachers is "competency based curriculum." The aim of this study was to investigate the effect of competency-based curriculum on the professional development of teacher students. The type of research was applied and survey method was descriptive. The statistical population of the study consisted of students from Farhangian University of Amir Kabir Alborz Campus. 291 samples were selected using simple random sampling method and Cochran formula. Data collecting tools consisted of a curriculum based on curriculum competence (1395) and a professional growth questionnaire (2001). The validity of the questionnaires was confirmed by experts and the reliability of the competency-based curriculum questionnaire based on Cronbach's alpha coefficient was 0.82 and professional growth questionnaire was 0.73. The findings of the research showed that the competency-based curriculum has an impact on the professional growth of student teachers and 42% of professional growth changes can be predicted by the competency-based curriculum. Objectives, content, learning activities had a significant impact on professional growth. ( $P < 0.05$ ), but the teaching and evaluation method had no significant effect on professional growth ( $P > 0.05$ ). Based on the results, it can be said that for the professional growth of student teachers, the curriculum should be based on competence.

**Key words:** Competency Based Curriculum, Professional Growth, Teacher Students